Wednesday, Aug 12, 2026

صفحه نخست (/) » دکترین تهاجمی رهبر ناپیدا

نظر کاربران
+68
رای دهید
-8

چه چیز در توان نظامی جمهوری اسلامی تغییر کرده است؟

حکومتی که نتوانست از رهبر و دو حلقه پیاپی فرماندهان ارشد خود محافظت کند، چگونه از انتقال جنگ به خاک دشمن سخن می‌گوید؟

نوشته س. روزبه - خبرنامه گویا

چگونه حکومتی که در دو موج پیاپی، رهبر، فرماندهان ارشد و سپس شماری از جانشینان آنان را از دست داد، اکنون از «دکترین تهاجمی» سخن می‌گوید؟ اگر سپاه پاسداران طی چند دهه با نیروی قدس و شبکه‌های نیابتی خود در عمق کشورهای منطقه فعالیت می‌کرد، دکترین پیشین چگونه صرفا دفاعی بوده است؟ از زمان کشته‌شدن فرماندهان قبلی تاکنون چه تحول قابل سنجشی در پدافند، ضدجاسوسی، حفاظت فرماندهان یا توان رزمی جمهوری اسلامی روی داده است؟ آیا با یک تغییر واقعی نظامی روبه‌رو هستیم یا با تلاشی برای پوشاندن شکست‌های اطلاعاتی و بازسازی بازدارندگی آسیب‌دیده؟

پرسش دیگر به جایگاه فرمانده کل قوا بازمی‌گردد: رهبر جدیدی که از زمان انتخاب‌شدن در انظار عمومی دیده نشده، چگونه می‌خواهد فرماندهی چنین دکترین پرخطری را بر عهده بگیرد؟ آیا سخن گفتن از عملیات در خاک دشمن، نشانه آمادگی واقعی برای جنگ است یا تهدیدی مبهم برای بالا بردن هزینه حمله بعدی؟ و سرانجام، آیا این دکترین برای دفاع از ایران طراحی شده یا برای انتقام‌گیری از کشته‌شدن رهبر پیشین جمهوری اسلامی؟

SONGMICS
Find What You're Looking For

Set of 2 Hex Dumbbells wit...
19% off Limited time deal

دکترین نظامی با انتخاب یک واژه تازه به وجود نمی‌آید. تغییر واقعی آن باید در ارزیابی تهدید، سازمان فرماندهی، آموزش، بودجه، تجهیزات، رزمایش‌ها و شیوه عملیات نیروهای مسلح دیده شود. بااین‌حال، محمدرضا نقدی، مشاور عالی فرمانده کل سپاه، از عبارت تازه‌ای در حکم فرمانده جدید سپاه نتیجه گرفته است که جمهوری اسلامی از «دکترین دفاعی» به «دکترین تهاجمی» عبور کرده است.

اما دکترین گذشته واقعا تا چه اندازه دفاعی بود؟ جمهوری اسلامی سال‌ها از طریق نیروی قدس، حزب‌الله لبنان، گروه‌های فلسطینی، حشدالشعبی عراق، انصارالله یمن و نیروهای وابسته در سوریه، خارج از مرزهای ایران فعالیت کرده است. قاسم سلیمانی نیز، بر اساس روایت غلامعلی رشید، این مجموعه را «شش ارتش» می‌نامید که در مسیری از ایران تا سواحل مدیترانه سازمان داده شده بودند. هدف اعلام‌شده آن بود که دشمن پیش از رسیدن به خاک ایران ناچار باشد از این نیروها عبور کند. روایت «شش ارتش» در خارج از ایران

البته عنوان «شش ارتش» بخشی از زبان بزرگ‌نمایانه حکومت بود. این مجموعه‌ها نه شش ارتش هم‌سطح و یکپارچه بودند و نه میزان وابستگی و فرمان‌پذیری آنها از تهران یکسان بود. بااین‌همه، این تعبیر نشان می‌داد که جمهوری اسلامی امنیت خود را بر ایجاد خاکریزهای مسلح در سرزمین دیگران بنا کرده است.

این سیاست «دفاع پیشرو» یا «عمق راهبردی» نامیده می‌شد: استفاده از روش‌های تهاجمی در خارج از کشور، با ادعای یک هدف دفاعی. بنابراین عملیات برون‌مرزی برای جمهوری اسلامی پدیده تازه‌ای نیست. آنچه اکنون تغییر کرده، بیش از آنکه ابزار نظامی باشد، زبان رسمی و آستانه اعلام‌شده استفاده از آن ابزارهاست.

در دکترین پیشین، حکومت می‌گفت شبکه‌های منطقه‌ای خاکریز دفاعی ایران‌اند و در صورت حمله دشمن فعال خواهند شد. در زبان تازه، سپاه باید بتواند زمان، مکان و شکل عملیات را انتخاب کند و جنگ را به «خاک و سرزمین دشمن» ببرد. نقدی گفته است سپاه باید برای عملیات «هوشمند، گزینشی و انتخابی» در هر مکانی که لازم تشخیص داده شود آمادگی پیدا کند. متن کامل سخنان محمدرضا نقدی

این زبان فاصله میان دفاع، مقابله‌به‌مثل و آغاز عملیات را عمدا مبهم می‌کند. پیام دیگر فقط این نیست که «اگر حمله کنید، پاسخ می‌دهیم»؛ حکومت می‌خواهد بگوید زمان، محل و ابزار پاسخ را خود تعیین می‌کند. این همان بازدارندگی از راه تهدید به مجازات است؛ تهدیدی که قرار است ناتوانی در جلوگیری از حمله را با وعده تحمیل هزینه در آینده جبران کند.

اما این ادعا درست زمانی مطرح شده که ساختار فرماندهی جمهوری اسلامی سنگین‌ترین ضربات خود را تحمل کرده است. در موج نخست، محمد باقری، حسین سلامی، غلامعلی رشید و شماری از فرماندهان ارشد کشته شدند. حکومت عبدالرحیم موسوی را جانشین باقری و محمد پاکپور را جانشین سلامی کرد؛ اما در موج بعدی، این دو جانشین نیز همراه با علی خامنه‌ای و شماری دیگر از مسئولان نظامی و امنیتی کشته شدند. منظور از ضربه به «دو حلقه فرماندهی» همین است: هدف قرار گرفتن بخشی از فرماندهان اصلی و سپس کشته‌شدن تعدادی از جانشینان آنان.

در احکام جدید، از ادغام ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، افزایش سرعت تصمیم‌گیری و بهره‌گیری از فناوری سخن گفته شده است. ولی هنوز شواهدی ارائه نشده که نشان دهد ضعف‌های بنیادی در پدافند، ضدجاسوسی، حفاظت فرماندهان، ارتباطات امن و فرماندهی بحران برطرف شده است. تغییر اشخاص یا ادغام دو نهاد، به‌تنهایی نفوذ اطلاعاتی و عقب‌ماندگی فناوری را جبران نمی‌کند.

وضعیت رهبر جدید نیز بر این ابهام می‌افزاید. مجتبی خامنه‌ای از زمان انتخاب‌شدن به رهبری در انظار عمومی دیده نشده است. گزارش‌هایی از ملاقات او با مسعود پزشکیان منتشر شده، اما تصویر عمومی و مستقیمی از او ارائه نشده است. حتی یکی از مسئولان بسیج وعده داده که تصاویر حضور او در میان مردم و فرماندهان «در آینده» منتشر خواهد شد. غیبت او قابل مشاهده است؛ اما علت آن و میزان واقعی دسترسی مقامات به او هنوز به‌طور مستقل روشن نشده است.

در چنین وضعیتی، عبارت «دکترین تهاجمی» چند کارکرد هم‌زمان دارد. در برابر دشمن خارجی هشدار می‌دهد که پاسخ جمهوری اسلامی ممکن است به خاک ایران محدود نماند. در داخل می‌کوشد روحیه آسیب‌دیده نیروهای حکومتی را بازسازی کند. در ساختار نظامی نیز زمینه افزایش بودجه و اختیارات سپاه، نیروی قدس، برنامه موشکی و پهپادی و عملیات سایبری را فراهم می‌سازد. به این ترتیب، شکست در حفاظت از رهبر و فرماندهان به وعده انتقام در آینده تبدیل می‌شود.

محمدرضا نقدی خود به شکاف عظیم فناوری و بودجه میان ایران و آمریکا اعتراف می‌کند، اما «قدرت ایمان» را پاسخ این نابرابری می‌داند. ایمان ممکن است بر روحیه و پایداری نیروها اثر بگذارد، ولی جای اطلاعات دقیق، فرماندهی امن، پدافند موثر، فناوری و لجستیک را نمی‌گیرد. این بخش از سخنان او بیش از آنکه پاسخی حرفه‌ای به شکست‌های نظامی باشد، زبان تبلیغات و جبران روانی شکست است.

اشاره نقدی به کشته‌شدن رهبر پیشین و ضرورت «قصاص» نیز نشان می‌دهد که امنیت ملی با انتقام برای رهبر نظام درهم آمیخته شده است. اینجا دیگر فقط سخن از دفاع از تمامیت ارضی ایران نیست؛ بقای حکومت، اعتبار سپاه و خون رهبر پیشین در جایگاه توجیه‌کننده یک سیاست تهاجمی قرار گرفته‌اند. هزینه چنین تصمیم‌هایی، اما بر دوش مردم و منافع ملی ایران خواهد افتاد.

در نتیجه، هنوز نمی‌توان گفت توان نظامی جمهوری اسلامی به‌طور بنیادی تغییر کرده است. آنچه فعلا تغییر کرده، زبان تهدید، میزان صراحت و ادعای حق انتخاب برای عملیات در خارج از مرزهاست. «دکترین تهاجمی» در این مرحله بیشتر تلاشی برای بازسازی بازدارندگی فروریخته است تا نشانه پیدایش قدرتی تازه.

قدرت نظامی با صدور حکم ایجاد نمی‌شود. دکترین زمانی واقعی است که آثار آن در امنیت فرماندهی، حفاظت از مراکز حساس، توان اطلاعاتی، پدافند، لجستیک و نتیجه عملیات دیده شود. تا آن زمان، جمهوری اسلامی با تناقضی آشکار روبه‌روست: رهبرش دیده نمی‌شود، دو حلقه از فرماندهانش ضربه خورده‌اند و شبکه‌های منطقه‌ای آن دیگر موقعیت گذشته را ندارند، اما فرماندهان تازه از حمله به عمق سرزمین دشمن سخن می‌گویند. پرسش نهایی همچنان پابرجاست: چه چیز واقعا تغییر کرده است؛ توان نظامی جمهوری اسلامی یا فقط زبان تهدید آن؟

+68
رای دهید
-8

Sponsored

Dermatologists: If You Have Nail Fungus, Do This Immediately

Vital Care World

Learn More

Come and Shop on Temu

TEMU

Shop Now

If You Have Belly Fat, Do This Every Day

Hepaliv

Learn More

Podiatrists Reveals Quick for Nail Fungus

Vital Care World

Learn More

The all-new electric Suzuki e Vitara

AEX

Learn More

The 30-second morning routine keeping Asian men's prostates small

Golden Tree

Learn More

by Taboola